**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه272 – 17/ 10/ 1398 شکل صحیح فقره دوم حدیث /نقل های صحیح قاعده لاضرر** **/قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل بررسی زیاده « علی مؤمن» به پایان رسید در این جلسه بحث درباره فقره دو حدیث لاضرر و شکل صحیح آن از نظر آیت الله سیستانی و استاد محترم پیگیری می شود و در نهایت تعبیر « لا ضرر و لا ضرار» به عنوان شکل صحیح نقل مورد پذیرش قرار می گیرد

بحث درباره حدیث لاضرر و نقل های معتبر آن بود . درمورد اعتبار زیاده « فی الاسلام » و « علی مؤمن » در برخی نقل ها در جلسه گذشته گفتگو شد.

## وجود یک نقل خاص در کتاب فقه منسوب به امام رضا علیه السلام

اینجا یک مطلب دیگر هم باید ضمیمه کنیم .در کتاب الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام عبارت حدیث به شکل « لا ضرر فی شفعه و لا ضرار» [[1]](#footnote-1)وارد شده است .از آن جا که این کتاب به عنوان کتاب حدیثی محسوب نمی شود و به احتمال زیاد همان طور که مرحوم سید حسن صدر فرموده اند کتاب التکلیف شلمغانی است نمی توان این نقل را نقل معتبری دانست و ظاهرا این تعبیر متأثر از حدیث عقبه بن خالد در بحث شفعه در این کتاب وارد شده است.

# نحوه نقل صحیح فقره دوم حدیث

## شکل اول« لاضرر» تک فقره

اما بحث مهم دیگر درباره بخش دوم حدیث است که آیا لا ضرر به صورت تک فقره ای صادر شده یا این که با اضافه ای همراه می باشد.در کتب حدیثی عامه و خاصه این حدیث با اشکال مختلفی نقل شده است .در بعضی موارد به صورت تک فقره ای نقل شده است . آقای سیستانی مثالی از جامع صنعانی ذکر می کنند . من این مورد را هم اضافه می کنم که به صورت « لَا ضَرَرَ فِي الْإِسْلَامِ»[[2]](#footnote-2) نقل شده است

## شکل دوم « لاضرر و لا ضرورة»

در کتب عامه در نقل ابوهریره به صورت « لا ضرورة» نقل شده است.

## شکل سوم به صورت « لاضرر و لا اضرار»

شکل دیگر نقل حدیث به صورت « لا ضرر و لا اضرار» است که آقای سیستانی مواردی را ذکر کرده اند. غیر از موارد آقای سیستانی این موارد را نیز من اضافه می کنم:

 در تهذیب الآثار ص 10 و در کشف الاسرار میبدی ج 2 ، ص 440 به این شکل آمده است ولی او در جلد 1،ص623 حدیث را با عبارت «لاضرار» نقل کرده است.

و البته نقل شایع در مصادر عامه هم « لاضرر و لاضرار» است .

### شکل سوم نقل در کتب خاصه

اما در کتب خاصه حدیث به دو شکل « لا ضرر و لاضرار » و «لاضرر و لا اضرار» وارد شده است. ایشان موارد متعددی را که به شکل «لا اضرار» است ذکر کرده اند :

أما (مصادر الخاصة) و ما يلحق بها ككتاب دعائم الإسلام، فهي مختلفة على النحوين الأخيرين: (لا ضرار) و (لا إضرار) كما يلي:

1 رواية ابن بكير عن زرارة: ورد فيها في بعض نسخ الكافي و هي النسخة المطبوعة بهامش مرآة العقول بصيغة (لا إضرار) و لكن ورد في الطبعة القديمة و الحديثة من الكافي و كذا التهذيب بطبعتيه و الفقيه بطبعته النجفية و الوسائل و الوافي جميعا بصيغة (لا ضرار)

2 رواية ابن مسكان عن زرارة: ورد فيها (بصيغة (لا إضرار) في الكافي المطبوع بهامش مرآة العقول، و كذا في الوافي و لكن في الطبعتين القديمة و الحديثة من الكافي و كذا في الوسائل بصيغة (لا ضرار)

3 رواية عقبة بن خالد في الشفعة: ورد فيها بصيغة (لا إضرار) في الفقيه الطبعة الحديثة و كذا في الوافي نقلا عن الكافي و التهذيب و الفقيه ، و لكن في غيرهما من المصادر ورد بصيغة (لا ضرار)

4 رواية عقبة بن خالد في منع فضل الماء: ورد فيها في الوافي بصيغة (لا إضرار) و لكن في غيره ورد بصيغة (لا ضرار)

5 مرسلة الصدوق: ورد فيها بلفظ (لا إضرار) في المطبوعة النجفية من الفقيه ، و لكن في الوسائل بصيغة (لا ضرار)

6 مرسلة ابن أبي جمهور: ورد فيها بلفظ (لا إضرار) في النسخة المخطوطة التي اطلعنا عليها من عوالي اللئالي .

7 مرسلة دعائم الإسلام في حديث هدم الحائط: ورد فيها بصيغة‌ (لا إضرار) على ما في مطبوعته المصرية، و لكن في المستدرك عنه بصيغة (لا ضرار) مع جعل (لا إضرار) نسخة بدل عنها

8 مرسلة دعائم الإسلام الأخرى: ورد فيها بصيغة (لا إضرار) في جملة من نسخها المخطوطة التي اعتمدها محقق الطبعة المصرية، و في واحدة منها بصيغة (لا ضرار) كما هو كذلك في المستدرك أيضا

 9 المصادر الفقهية و غيرها كالخلاف و التذكرة و التبيان و الغنية و نحوها: ورد فيها بالصيغتين تارة (لا ضرار) و أخرى (لا إضرار) و الأكثر هي الأولى[[3]](#footnote-3)

 من تنها یک نکته به فرمایشات ایشان اضافه کنم و آن اینکه در چاپ های کتاب فقیه، چاپ نجف هم مانند چاپ آقای غفاری است و تفاوت نیست.

من جهت تکمیل بحث ، گزارش چاپ کافی دارالحدیث را هم ملاحظه کردم و این جا عرض می کنم :

 4 مورد حدیث لا ضرر در کافی داریم . دو مورد حدیث سمره یکی نقل ابن بکیر و دیگری نقل ابن مسکان و دو نقل حدیث عقبه بن خالد در بحث شفعه و حدیث منع فضل ماء. در سه مورد من گزارش نوشتم . حدیث شفعه 4 نسخه وحدیث ابن بکیر دو نسخه و حدیث ابن مسکان سه نسخه و نسخه وافی به شکل « لاضرر و لا اضرار » است .

با این وجود در اکثر نسخ مربوط به این احادیث به شکل «لا ضرر و لا ضرار» وارد شده است .در مرسل المقنع هم به دو شکل نقل شده است [[4]](#footnote-4). در معانی الاخبار هم به شکل« لاضرر و لا ضرار » است .[[5]](#footnote-5)

## اعتبار تعبیر « لا ضرر و لا ضرار » از نظر آیت الله سیستانی و استاد

در مجموع به نظر می رسد تعبیر «لاضرار» معتبرتر است و دلیل اصلی آن دو نکته است که در کلام اقای سیستانی مورد تأکید قرار نگرفته است.نکته اول این است که در اکثریت نسخ « لاضرار » آمده است و ثانیاً کلمه ضرار از اضرار نامانوس تر است و اصل در تحریفات تبدیل نامأنوس به مأنوس است و لذا احتمال تبدیل «لاضرار» به « لا اضرار» بیشتر است .

آقای سیستانی در ادامه نسبت به این نقل های مختلف می فرمایند:

و بعد ملاحظة اختلاف لفظ الحديث باختلاف النسخ أو الروايات فما هو الأرجح من بينها؟! الظاهر إن الأمر دائر بين صيغتي (لا ضرار و لا إضرار)، و أما ما ورد في بعض مصادر العامة من حذف القسم الثاني من الحديث رأسا أو ثبته بصيغة (لا ضرورة) فلا يمكن الاعتماد عليه أصلا كما هو واضح

آقای سیستانی نقل تک فقره ای «لاضرر» را قابل اعتماد نمی دانند چون ظاهرا خیلی نادر است و اکثر نقل ها دو فقره ای اند. در اینجا می توانیم بگوییم اگر چه اختلاف در برخی نقل های دو فقره ای وجود دارد ولی در دو فقره بودن قرینیّت دارند. خیلی بعید است حدیث در اصل دو فقره بوده باشد و حذف شده باشد ولی تبدیل شکل در فقره دوم این مقدار مستبعد نیست. با این توضیح ا نقل تک فقره ای شاذ است و حتی معتبر هم نیست چون فارغ از اینکه ما به کتب عامه اعتماد نداریم ، حتی به این شکل در کتب معروف عامه هم وارد نشده است و در کتب غیر معروف به این شکل آمده است.

در عین حال عمده بحث همان نکته دوم است و الا ممکن است گفته شود چه بسا حدیث دو بار نقل شده است و پیامبر اکرم در مواضع مختلف به دو شکل فرموده اند. به عنوان مثال مرحوم ابوالفتوح رازی در بحث معراج که تفاوت هایی در نقل ها و خصوصیات وجود دارد می فرماید ممکن است معراج متعدد بوده باشد و از برخی نقل ها هم این مطلب استفاده می شود. لذا دلیل ندارد اختلاف نقل ها را به تعارض نقل ها تفسیر کنیم .در ما نحن فیه هم اگر اثبات شود نقل ها از یک حادثه واحد باشند ، باید دنبال نقل صحیح بگردیم ولی اگر اثبات نشود نقل ها به یک قضیه مربوط است نمی توانیم این بحث ها را داشته باشیم .

آقای سیستانی در مورد تعبیر « لاضرر و لاضرورة» هم اختلاف نقل هایی از همان حدیث ابوهریره ذکر کرده اند. این نقل هم مورد اعتماد نیست چون هم خود ابوحنیفه معتمد نیست و هم حدیث در منابع عامه به اشکال مختلف نقل شده است.در نتیجه تنها دو شکل باقی می ماند که احتمال اعتبار دارد . یکی « لا ضرر و لا ضرار » و دیگری «لا ضرر و لا اضرار ».

در کتب شیعه هم حدیث به این دو شکل وارد شده است و البته در همه نقل ها اکثریت نسخ با «لا ضرار» است و نکته دوم هم عرض کردیم که تبدیل «لا ضرار» به« لا اضرار» طبیعی است ولی عکس آن طبیعی نیست .البته این نکته به تنهایی اطمینان آور نیست .

### وجوه مذکور در کلام آیت الله سیستانی در ترجیح « لا ضرار» و بررسی آن

آقای سیستانی در ادامه وجوهی را در ترجیح صیغه « لا ضرر و لاضرار» بیان می کنند که در مجموع باعث اطمینان می شود . ایشان چنین می فرمایند:

الأرجح في النظر من الصيغتين المذكورتين هي الأولى منهما أي (لا ضرار) كما استقربه في مجمع البحرين أيضا و ذلك لوجوه. الأول: إنه ورد في عنوان الكافي (باب الضرار) و هو يناسب كون الصيغة المستعملة في الحديث (لا ضرار) لا لفظ (لا إضرار) كما لا يخفى. الثاني: إنه قد جاء في قضية سمرة توصيف النبي صلى الله عليه و آله‌ لسمرة بأنه رجل مضار كما تضمن ذلك خبر ابن مسكان و خبر أبي عبيدة و بعض أخبار العامة، و لفظ (مضار) صفة من باب المفاعلة كلفظ (ضرار) فيناسب أن تكون الكبرى المذكورة في القضية بصيغة المفاعلة أيضا ليسانخ الصفة المذكورة فيه.

الثالث: إن الشهيد في القواعد اعتنى بضبط الكلمة و ذكر أنها بكسر الضاد و حذف الهمزة.

الرابع: إنه ورد في رواية هارون بن حمزة الغنوي المتقدمة قوله عليه السلام (هذا الضرار) و هو يناسب أن تكون الكبرى التي يبدو إن الامام عليه السلام كان بصدد تطبيقها بهذا اللفظ أيضا دون غيره.

الخامس: إن كتب اللغة اتفقت على ضبط الكلمة بصيغة (ضرار) و ضبطها للألفاظ أكثر اعتبارا من ضبط كتب الحديث و الفقه لتركيزها على هيئة الكلمة بحسب طبعها مما يبعدها عن التحريف أكثر من غيرها. فبمجموع هذه الوجوه يطمئن بأن لفظ الحديث هو (لا ضرار) لا لفظ (لا إضرار). فتحصل من جميع ما ذكرناه إن الصيغة الثابتة للحديث إنما هي (لا ضرر و لا ضرار) كما هو المعروف دون نقص أو تغيير أو زيادة [[6]](#footnote-6)

وجه اول این است که عنوان باب در کافی باب الضرار است .این مطلب جای تأمل دارد چون همه روایات این باب مشتمل بر ضرار نیست .روایت اول تعبیر مضار دارد که مناسب است . روایت دوم همان نقل ابن بکیر است .ولی در روایت سوم و پنجم ضرار وجود ندارد و در روایت هفتم هم تعبیر« اضرّت» آمده است که از باب افعال است .در روایت چهارم و ششم که حدیث منع فضل ماء است و روایت هشتم که نقل ابن مسکان است ضرار مطرح است.

4 حدیث از 8 حدیث مربوط به لا ضرر است و اگر بگوییم در این موارد « لا ضرار» نباشد و « لا اضرار » باشد فقط دو حدیث باقی می ماند و بعید است به خاطر دو روایت نام باب ضرار گذاشته شده باشد . لذا در مجموع فی الجمله این مطلب قابل قبول است به این معنا که نمی توان گفت اکثر نقل ها به لفظ« لااضرار» است و لا اقل این نشان می دهد فی الجمله بعضی روایات به لفظ «لا ضرار» می باشد . ولی استدلال به تنهایی محکم نیست چون نمی توانیم تک تک روایات را با لفظ « ضرار» ثابت کنیم .

در وجه دوم می گویند در حدیث سمره ، پیامبراکرم (ص) سمره را رجل مضارّ توصیف کرده اند که از باب مفاعله است. این وجه قابل قبول و مفید است .

در وجه سوم به نحوه ضبط شهید اشاره کرده اند که البته به نظر ما مهم نیست چون شهید متأخر است و نقل متأخرین برای ما مفید نیست.

در وجه چهارم به حدیث هارون بن حمزه غنوی اشاره می کنند که امام (ع) در صدد تطبیق کبرای کلی با این لفظ هستند که ما قبلا مناقشه کردیم و گفتیم در این حدیث ثابت نیست که امام علیه السلام در مقام تطبیق لا ضرر باشند.

در وجه پنجم هم اتفاق کتب لغت را ذکر کرده اند و گفته اند این اتفاق از اتفاق کتب حدیث معتبرتر است چون کتب لغت به ضبط صحیح کلمه توجه بیشتر دارند. از نظر ما این مطلب مقبول نیست چون اولاً کتب لغت در اکثر موارد از همدیگر اخذ می کنند وثانیاً ضرار بر خلاف اضرار کلمه نا مانوس است و غریب الحدیث محسوب می شود و کتب لغت از این جهت به آن توجه دارند. و چه بسا اگر در مواردی « لا اضرار » را دیده باشند به جهت روشنی معنا ذکر نکرده اند.

قدیمی ترین کتاب لغت، تهذیب اللغه ازهری در قرن 4 است و نفرات بعدی از او اخذ کرده اند. کتاب های لغت معمولا نکته جدیدی اضافه نمی کنند و لفظ ضرار غریب تر از اضرار است و نیاز به تفسیر داشته است .

با توجه به مباحث گذشته و به خصوص با عنایت به آن دو نکته که عرض کردیم در مجموع می توان مطمئن شد لفظ حدیث به شکل «لاضرر و لا ضرار» صادر شده است.

1. [الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام ، ، ج1، ص264.](http://lib.eshia.ir/27146/1/264/%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%82%D8%A7%D8%B1) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کتاب الخراج ، یحیی بن آدم، ج1، ص94.](http://lib.eshia.ir/42360/1/94/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [قاعده لاضرر و لاضرار، آیت الله سید علی سیستانی، ج1، ص107.](http://lib.eshia.ir/27003/1/107/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [المقنع، شیخ صدوق، ج1، ص537.](http://lib.eshia.ir/10050/1/537/) [↑](#footnote-ref-4)
5. معانی الأخبار، شیخ صدوق، ج1، ص281. [↑](#footnote-ref-5)
6. [قاعده لاضرر و لاضرار، آیت الله سید علی سیستانی، ج1، ص108.](http://lib.eshia.ir/27003/1/108/) [↑](#footnote-ref-6)